

فصد چیست؟



فصد، باز کردن منفذی کوچک در دیواره رگ بوسیله نیشتراست که باعث خروج اخلاط فاسد بدن با خروج خون می شود.

فضیلت فصد:

فضیلت فصد آن است که هر گاه همه اخلاط (سودا، صفرا، بلغم و دم) به یکبار زیادت گردد، به فصد از هر خلطی چیزی کمتر شود از بهر آنکه مرکب همه اخلاط بدن خون است.

باب اول: در فضیلت و برتری فصد

هر زمان همه خلط ها زیاد گردد بوسیله فصد از هر خلطی مقداری کم میشود زیرا مرکب همه خلطها خون است بدین جهت گفته اند (فصد استقراغ کلی است) • هرگاه همه اخلاط در بدن زیاد گردد هیچ استقراغی بهتر از فصد نیست و بهترین فضیلت است. رگ را گشوده، رنگ خون و قوت بیرون جستن و قوام او را می نگرند تا حالات را می شناسند.

باب دوم: در فضیلت خون

خون در بدن انسان شش فضیلت بزرگ دارد که هیچ خلطی دارای این منفعت نیست.

- غذای راستین، خون است که مدد پرورش تن و بازسازی بدن است که در صورت تحلیل خون بوجود می آید.
- بدن حرارت طبیعی خود را از خون می گیرد، این به جز حرارت غریزی است که از دل بر می آید.
- اگرچه قوام دل و حرارت غریزی از خون نیست ولی ترکیب حرارت غریزی و قوت و نیروی حیوانی از خون است که هرگاه خون بیرون ریخته زیاد باشد نبض ضعیف می شود و سقوط نیرو باعث غش کردن می گردد.
- دل معدن حرارت غریزی است و حرکت او پیوسته است و به سبب پیوستگی حرکت تحلیل وی زیاد است و به علت بسیاری تحلیل از سایر اندامها نیازمندتر است، به همین جهت رگی بزرگ از جگر (فوق کبدی) به آن پیوسته است و خون ترکیب نیروی حیوانی و دل، در شریانها روان می گردد و قوت حیوانی در صورت صحت آن به همه تن می رسد و هرگاه خون از همه شریانها بیرون رود نیروی حیوانی تلف و حیوان هلاک می شود.

• خون نیرو را به اندامها می‌رساند و گرما می‌دهد و آنها را تری و لطافت می‌بخشد تا همه حرکات به آسانی انجام شود.

• خون، پوست مردم را رنگین و تازه و با رونق نگاه می‌دارد گاهی پیشینیان به همین دلیل خون گرفتن را به هیچ حال روا نمی‌داشتند که در این رای به خطا بودن.

منفعت خون به دو شرط است، اول آنکه مقدار آن کافی باشد و دوم کیفیت خون است که از لحاظ غلظت و رقیق بودن است و باید متناسب بدن باشد در غیر این دو صورت سبب بیماری‌ها است برخی گفته اند با کمتر شدن یا گرفتن غذا نیروی صرف شده برای تغذیه کم می‌گردد و خون به اعتدال می‌رسد ولی این تدبیر و اندیشه کافی نیست به خاطر اینکه مدت زیادی لازم است تا این تدبیر انجام گیرد در حالی که خون از طرق دیگر مانند خون دماغ و حیض واجب است خارج گردد.

خون را به این معنی جهت سه منظور می‌گیرند:

اول آنکه خون بد کمتر شود.

دوم آنکه مقدار خون کم گردد.

سوم آنکه جهت خون به طرفی دیگر میل کند.

بیماریهایی چون عرق النسا (کمردرد یا سیاتالژی)، نقرس، درد مفاصل، سردرد، گلودرد خونی، درد چشم، التهاب احشاء، بواسیر و قطع زود هنگام قاعدگی را با زدن رگی که خون به آن میل کرده است می‌توان درمان کرد.

باب سوم: سبب هائی که تاخیر فصد را واجب می‌کند

در بیماریهای یاد شده اگر خون زیاد باشد پیش از حرکت فصد روا است اما هنگامی که پس از حرکت خون در اوایل گرفته شود خلطهای بد و خام درون بدن را به حرکت و جوشش در می‌آورد و این خلطها با خون در رگ‌ها مانده و جاری می‌شود و مضرات آن فراوان است.

در امتلاء با علامت خونی نباید در فصد شتاب کرد زیرا هر پری فصد را واجب نمی‌کند و چه بسا که امتلاء از خلط دیگر و هنوز خام است که در این صورت قوت را از بین می‌برد و بیماری طولانی و منجر به مرگ می‌شود در بیماریهای مزمن ابتدا اگر به شربت و تدبیر درمانی تسکین ممکن باشد باید اقدام کرد و اگر ممکن نبود باید فصد کرد ولی مقدار خونگیری باید کم باشد تا قوت ضعیف نشود.

همچنین اگر در زمستان نیاز به فصد گردد و تاخیر شود تکسری به وجود می‌آید که باید فصد کرد ولی خون اندکی باید خارج کرد. حیض و آبستن را نباید فصد کرد مگر ضرورتی بزرگ باشد که فصد واجب می‌گردد.

اگر در بدن خلط صفراوی شدید باشد ابتدا با مسهل لطیف صفرا یا قی صفرا را کمتر باید کرد یا تسکین داد سپس فصد کرد و یا به تدبیرهای لطیف کننده در خلطهای غلیظ اقدام کرد، مانند گرمابه، ریاضت (روزه داری) و سکنجبین که با زوفا پخته شده باشد.

باب چهارم: در بیان اصولی که در حال فصد باید به آن توجه کرد

برای فصد به سالهای عمر، مزاج، فصل، حال و هوای شهر، چاقی و لاغری، قوت فم معده باید توجه داشت در این حال طبیب باید بگوید کدام رگ را باید زد چه مقدار و تا چه زمانی خون گرفت زیرا فصد هم در صحت و سلامت نافع است و هم در علاج بیماری قوی است

ممکن است محل فصد درد کند و جراحت آن دیر بسته شود در بسیاری از مواقع سبب فصد طبع خشک است. در انواع قولنج‌ها به فصد حاجتی نیست (مگر در موارد التهاب و سرطان رود) در فصد به رنگ خون باید

نگاه کرد اگر به سپیدی زد در همان لحظه باید رگ را بست و همیشه باید کوشید که فصد سبب حرکت صفرا و غلیظی و خامی خلط نگردد.

باب پنجم: نشانه های فراوانی خون بدن

نشانه های فراوانی خون هفت نوع است

- سرخی رنگ صورت
- دمیدگی و پری (طول، عرض، ارتفاع) رگها
- غلیظی نبض
- حس سنگینی و ماندگی، درون تمام بدن و اندامها
- احساس حرارتی خوش درون تمام اعضاء
- سستی و دشواری حرکت
- آروزی میل به غذا با احساس گرسنگی

هرگاه از این نشانه ها داخل عضوی باشد نشانی که خاصه آن عضو است پدید می آید و خون بدان عضو میل می کند، چنانکه در سر حرکت شریان ها قوی و ضربان در سر پدید می آید. اگر به جانب کبد میل نماید باعث سوزش در جگر می شود. معده با احساس گرسنگی و تغییر مزاج و در طحال با تظاهرات اختصاصی و سوزش آن همراه است. علائم کلی دیگری شامل سرگیجه، خارش چشم و صورت، شیرینی طعم دهان و خنده های بی سبب در غلبه خون وجود دارد.

باب ششم: نشانه های تباه شدن خون در بدن

نشانه های فساد خون سه چیز است

یکی: آن که رنگ صورت بیمار تغییر کند
دوم: نبض قوی گردد
سوم: حس درد و ناخوشایندی پدید آید

پس هرگاه خون فاسد شد، رنگ صورت بیشتر مواقع به سرخی متمایل می گردد و زمانی که بعلت بلغم باشد رنگ صورت به سپیدی و اگر سودا باشد به تیرگی و سیاهی می گراید و اگر از جهت تیزی حرارت صفرا باشد به زردی می گراید. اگر در خون فساد ایجاد شود. اگر دست به هر عضوی بزنند درد می کند، گاهی بعضی نواحی خاص مانند محل زخم درد می کند و اگر مدتی بگذرد و استقرار نمی کند (فصد یا حجامت ننماید) به تب مبتلا می شود که جوش ها و طاعون بد به وجود می آید و اگر نیرو تدارک نشود از بین می رود. بالاخره بخار فاسد کننده خون به دل می رسد و بیمار را هلاک می نماید

باب هفتم: حالات خون پس از گرفتن

پس از گرفتن خون چهار موضوع را باید جستجو کرد

- رنگ
- قوام
- بوی آن
- آنکه خون را در ظرفی پوشش دار قرار داده و بعد از یکساعت به آن گاه می کنند. اگر خون خوشبو دارای قوام معتدل و رنگ آن طبیعی باشد سالم است

خون صفراوی رقیق تر از معتدل و از سرخی به زردی میل می شود و بسیار گرم و بوی آن تیز و شدید است و دیر لخته می گردد و طعم تلخ دارد

خون بلغمی به محض خروج رقیق و کمتر گرم است. زود غلیظ و لخته می شود و بوی ضعیف دارد اما اگر عفونی باشد، بوی بد و ناخوشی می دهد و بعد از یکساعت آبی رقیق بر روی آن ظاهر می شود. خون سودائی غلیظ و سیاه و بوی بد دارد و بوی ترشی می دهد و زود لخته می شود. اگر مقداری آب در آن بریزند و تکان بدهند رشته رشته می شود (چون لیف) و از آن آبی کیود جدا می شود. هرگاه این سه نوع خون سوخته شود قوام یافته و غلیظ می گردد و بوی ناخوشایند می دهد

باب هشتم: عوامل فساد خون

بر سه نوعند:

- تدبیرهای بد در غذاهای گرم و چیزهای تند و تیز و شراب کهنه و آنچه مانند آن است
- گرمی مزاج دل و جگر به خصوص در سال های جوانی و فصل تابستان
- فساد به علت تغییر نظام فصل های سال و بادهای و باران ها و غبارهای فراوان

باب نهم: خون در هر مزاج و سال عمر

مزاج سودائی و خشک خون آن تیره و مزاج های مرطوب و سرد و ترسخی خون آنها کمتر است. رطوبت خون را غلیظ می کند. مزاج صفاوی رقیق تر است. اما در کودکان خون رقیق و ضعیف و در جوانان غلیظ و سرخ و خون میان سالان به سیاهی می گراید و غلیظ می باشد و خون پیران رقیق و ضعیف (کم رنگ) است

باب دهم: موارد فصد

کسی که رگ های او فراخ تر و آشکارتر و رنگ بدن او به سرخی یا سیاهی می . گراید و گوشت فراوان و ماهیچه قوی داشته باشد می تواند فصد کند، مخصوصاً در سال های جوانی و میان سالی و کسانی که شیرینی و شراب بیشتر می خورند و جوش و کورک در بدن دارند می .توانند فصد کنند، اما کودک تا چهارده سالگی به خاطر گرمی و تری اندام ها نمی تواند فصد کند

حال عمومی و هیات چهارده سالگی را باید نگرست اگر صفاوی و لاغر و بسیار مرطوب باشد فصد نباید کرد و پیران (بالتر از هفتادسال) را نیز نباید فصد کرد ولی عده ای از پیشینیان پس از هفتادسالگی را هم فصد نموده اند که نیرو پیدا کرده اند و این عمل هر ساله انجام شده است

کسانی که معده و جگر ضعیف دارند و طعام را به دشواری هضم می کنند و دارای طبع ظریف و قوت کم و خطر بیمارهای سر دارند فصد در آن مضر است و در آنانکه رگ های مرطوب و نرم دارند باید احتیاط کامل نمود

باب یازدهم: علل لازم برای فصد و میزان خون گرفتن تا حدی که غش کند

در برخی از بیماریها که اجازه نمی دهد مانند خناق (گلودرد موجب خفگی) و خون دماغ شدید و برخی از انواع جنون و در تب های سوزنده و دردهای سخت که غلبه خون وجود دارد واجب است در خون بیرون کردن تا آنجا که غش پدید آید در ا باید به قوت اطمینان داشت، اگر نیرو و ضعیف باشد غش منجر به مرگ می شود

باب دوازدهم: چگونه در زمان فصد باید قدرت بیمار را حفظ کرد و خون چه مقدار باید گرفته شود

بیمار داشت که حال هر یک را می توان از نبض درک نمود در زمان فصد طبیب نبض را می گیرد و هرگاه اثر ضعف در آن دید رگ را می بندد و رنگ آن به روشنی رسید و قدرت (جهین) کاهش یافت گرفتن خون را قطع می کنند
اگر دلیل فصد فاسد شدن خون باشد به رنگ و قوام آن نگاه نمی شود بلکه به نبض توجه می گردد و هرگاه نبض ضعیف شود باید در آن زمان رگ بسته شود گرچه به مقدار نیاز خون بیرون نیامده باشد

هنگامی که سبب فصد فراوانی خون باشد تا با قوت بیرون آمدن خون نباید آن را بست مگر آنکه در نبض ضعف پدید آید. جالینوس می گوید: اگر سبب آماس باشد و رگ مربوطه به آن عضو باشد بهتر است خون فصدتاروشنی ادامه یابد زیرا باقی ماندن خون غیرطبیعی است. بقراط گوید در بیماری خون رگ با سلیق را تا روشن شدن خون سوخته تخلیه می کنند و به دو علت آن را می بندند یکی به واسطه ضعف و دیگری به علت آماس که خون دیر به رنگ اصلی برمیگردد.

مقدار گرفتن و خارج کردن خون را در هیچ بیماری نمی توان (دقیقاً) معین کرد و آن با مشاهده طبیب در حال فصد صورت می گیرد.

باب سیزدهم: نیروی مردم ضعیف را چگونه می توان حفظ کرد تا غش نکنند

در چهار دسته ضعف بسیار رخ می دهد

- افراد با طبع بسیار گرم و لاغر که در معده ی آنها صفرا تولید می شود
- آنان که دارای گوشت لطیف و مسام (منافذ) گشاده هستند
- آن ها که حس دهانه معده ایشان قوی است
- کسانی که دهانه ی معده ایشان ضعیف است که در حال خون دادن کمتر غش رخ می دهد و معمولاً بعد از اتمام فصد رخ می دهد

قی کردن پیش از فصد از غش جلوگیری می کند و در حال غش هم سودمند است و آن را برطرف می کند. بهمین دلیل در حال فصد از مشک و پرمرغ یا چیزی که به وسیله آن بتوان تهوع ایجاد کرد باید حاضر نمود و هر کس را بخواهند از غش نگهدارند از شراب انار ترش شربت می دهند

باب چهاردهم: در بیان مواردی که فصد نباید کرد

علت هانی که مانع از فصد می شود بیست و یک است

- ۱- تب
- ۲- رقیق بودن خون و مزاج گرمائی شدید و خشک
- ۳- لرزش در اثر سرمای شدید
- ۴- مزاج خیلی سرد
- ۵- شهرهای سردسیر
- ۶- دردهای شدید
- ۷- حمام
- ۸- بعداز مقاربت
- ۹- کودکی و نارسیدگی
- ۱۰- پیروی
- ۱۱- لاغری مفرط
- ۱۲- چاقی مفرط
- ۱۳- نازکی گوشت و گشاده بودن منافذ و مجاری پوست

- ۱۴- سفیدی پوست بدن و گوشت بسیار نرم داشتن
- ۱۵- زردی صورت و گونه و کم خونی
- ۱۶- بیماری طولانی
- ۱۷- گرسنگی و خالی بودن معده
- ۱۸- حساس بودن زیاد دهانه ی معده
- ۱۹- ضعیف بودن دهانه معده
- ۲۰- تولید صفرا در داخل معده

در مورد تب ملایم و ابتدای آن این مطالب صادق نیست

فصد را در سه مورد بهیچ وجه نمی توان انجام داد

- ۱- آنکه بهنگام فصد بیمار در حال تب باشد و اخلاط در حرکت باشد که شوریده و با فصد حرکت آن بیشتر و در نتیجه ضررهای آن زیادتیر می گردد.
- ۲- آکمی رطوبت، سبب قوت صفرا می شود که با فصد آن مقدار رطوبت از بین رفته صفرا قوی تر می گردد.
مقدار خون که مایه قوت است با فصد کاملاً خارج شود و نیرو تحلیل رود.
تب یا از غیر عفونت است و یا از عفونت که آن نیز بر دو نوع است یا سبب زردی و فرورفتگی صورت می گردد که فصد نباید کرد یا سبب قوام و رنگی سرخ است و نبض هم بزرگ و بصورت بیمار عادی است که در این صورت فصد جایز میباشد.
اما سبب بازداشتن لرزش به دو دلیل است یکی به خاطر سرما که خلطی خام و بلغمی می باشد و خون در بدن نیاز است که با سرما مقابله کند و دوم به خاطر صفرا است که خون در بدن سرد کمتر تولید می شود و در نتیجه به خون داخل خودش نیازمند است.

دلیل فصد نکردن در شهرهای سرد به خاطر این است که خون باید در بدن باقی باشد تا اندام ها گرم نگهداشته شود.

- دلیل گرما برای آن است که حمام اخلاط را می گذارد و منافذ و مجاری را باز می کند و به خاطر باز شدن آن ها عرق، بسیار می شود و بدن تحلیل می رود و فصد خطا است ولی اگر فصل زمستان باشد قبل از فصد داخل گرما رفته و قبل از آنکه عرق کنند فصد نیکو است.
- علت منع فصد در پیری به خاطر آن است که در پیری خون کمتر تولید می شود و رطوبت جدید بیشتر تولید می گردد و به همین خاطر فصد زیان دارد.
- در مردم لاغر به خاطر اینکه حرارتشان بیشتر گرم و صفراوی است با غلبه صفرا خون را با احتیاط باید خارج کرد. در مردم خیلی چاق به خاطر اینکه مزاجشان به سردی گرایش دارد و رطوبت زیاد است و همچنین سفیدی پوست و در کسانی که حساسیت و ضعف زیاد معده دارند فصد در این حالت ها سبب غش می گردد.
- علامت حساسیت معده ناراحتی در هنگام خوردن تندی ها است و علامت ضعف دهانه معده اشتها کم و درد می باشد. علامت صفرا در معده تلخی دهان است.

باب پانزدهم: فایده دو یا چندبار فصد کردن

هدف از فصد دو کار است

- مقداری خون از تمام بدن یا از عضوی میکاهد بعلت آنکه خون تنها یا با ماده ای به سمت عضوی تمایل پیدا کرده که با فصد به جانب مخالف هدایت می شود. زمانی که خون مرکب همه خلط ها بیرون آمد طبیب می تواند بعد از بستن یکساعت صبر کند تا بدن کوشش لازم خود را در باقی خلط به جای آورد و آن ها را از موضع خود جدا کند و در موضع فصد جمع کند تا خلط زودتر و بیشتر دفع شود و خون پاکیزه تر گردد و با روشن تر گشتن آن بدن پاک تر می گردد.

جالینوس گوید هرگاه مقصود از فصد بازگرداندن خلطی از جانبی به سوئی دیگر باشد هر چند خون را به دفعات بیشتر بیرون می کنند هدف کامل تری حاصل می شود.

• آنکه نیرو در مکان خود باقی می ماند و ضعف تولید نمی کند.
در مقدار خارج کردن خون، جالینوس می گوید: اگر در دفعه اول بیشتر و بار دوم کمتر خون بگیرند سبب غش نمی گردد و فاصله ی آن دو در افراد قوی یک ساعت و گرنه مقدار ضعف مدت را بیشتر می نمایند و میان آن ها شربت نوشیده شود.

اگر منظور از فصد بازگرداندن ماده باشد کمترین مدت و زمان فاصله یک روز باید باشد در صورتی که فصد در همان روز باشد رگ زدن مایل انجام می گیرد اگر یک ساعت یا زودتر باید عرضی بزنند و اگر در روز بعد نیاز به فصد باشد از طول انجام می گیرد چون سر رگ زودتر بسته می شود با روغن زیتون و کمی نمک آغشته نمود و بهتر این است که سر تیغ را آغشته به روغن نمایند تا رگ دیرتر بسته شود و درد کمتر باشد.

نباید در میان دو فصد خوابید زیرا خواب سبب بازگشت ماده به داخل می گردد و منفعت فصد دوم باطل می گردد. هر گاه خون به فاصله متعدد گرفته می شود و رگ قوی است سر رگ را باید کشاد باز کرد.
« اگر سر رگ ملتهب است باید بهتر بزنند. رگ باسلیق (Basiliq) اگر باد کند آن را دفعه دوم نمی توان باز کرد و باید آن را با گلاب و اندکی سرکه تر کرد و بست و رگ دیگری را از جانب دیگر باید زد.»

باب شانزدهم: هرگاه خون به جانبی میل کرد چگونه می توان آن را برگرداند

هرگاه بخواهند خون را از جانبی که به آن میل پیدا کرده به جانب مخالف هدایت کنند به دو طریق ممکن است.

• آن را به سمتی هدایت کنند که برابر آن سمت باشد یا عضوی برابر آن عضو باشد، مثلاً: اگر خون به جانب پس سر میل کند رگ پیشانی را بزنند و اگر به جلو سر میل کند پشت سر و گردن را حجامت کنند و اگر به دست راست میل کند دست چپ را فصد کنند و به عضوی هدایت کنند که فراسوی آن در بالا پایین تر باشد. مانند خونریزی از بینی که حجامت سر کنند و در تفریط حیض (مترواژی و منوراژی) پایین پستان ها را حجامت کنند.

در راستای عضو نیز چنان است مثلاً: اگر خون از بینی راست بیاید حجامت را در جانب راست می کنند و اگر چشم راست درد کند یا گلو درد (آنزین یا دیفتری) در سمت راست باشد بادکش در پهلوئی راست گذارند و اگر رگ بزنند از دست راست انجام دهند. به خاطر بیماریهای جگر باسلیق راست را فصد کنند (شکل ۱) و به خاطر بیماری طحال اسیلیم چپ را بزنند (شکل ۲) و هرگاه خون به تمام جهت میل کرد و مستقر شد باید رگی را بزنند که نزدیک به آن عضو باشد و منسوب به آن باشد و خون بیشتری از آن بیاید و ماده هم اگر به سمتی میل کرد باید از همان سمت و عضو برابر درد را تسکین داد و سپس مشغول بازگرداندن ماده شد.

باب هفدهم: در اندیشه تدابیر اصلاحی برای رگ زدن

در طبع گرمایی باید تابستان را انتخاب کرد و در روزی که هوا مناسب باشد.

در ساعات دومین و نخستین با آرامش قبل و پس از رگ زدن فصد باید صورت گیرد.

در روز قبل و بعد از فصد باید طعام کمتر و سبک تر میل شود و چیزی بخورند که صفرا فروکش نماید.
مانند: سوپ، مرغ و یا تخم مرغ برشته (بعد از حجامت و فصد)

پس از فی کردن و اسهال و مقاربت و بی خوابی و رنج و ناگواری و ضمن خونریزی و (هرکاری که بدن را گرم کند و سبب آن تحلیل بدن باشد فصد نباید کرد)

پس از فصد یک ساعت به پشت استراحت کنند ولی نباید زیاد بخوابند که خوابیدن زیاد سبب شکستن و سستی اندام ها است. در خوردن شراب باید احتیاط نماید.

زخم جراحت رگ را نیکو باید بست و زمان خواب نیز کسی متوجه او باشد.

در افراد مست خون باز شود و ضعف و ترس هلاک شدن وجود دارد.

هرگاه کسی بعد از فصد به غش و ضعف افتد باید از آبگوشت و نوشیدن خوش بوی صاف شده استفاده نماید و به وسیله ی عطرها ی خوش و مرغ بریان پذیرایی کنند تا بوی آن به مشام رسد.

گروهی گفته اند بوی بنفشه در حال ضعف و غش زیان آور است. (این موضع مورد تامل است). افراد مرطوب را بهتر است قبل از فصد یکی دو ساعت ورزش داد تا حرارت آن ها افزوده و اخلاط و رطوبات افزایش گردد.

باب هجدهم: در بیان شناخت رگ ها که در چه بیماری ها و زمانی باید زده شود

جالینوس گوید در فصد اعتماد به روز بیماری ها نباید کرد چون عده ای می گویند نورتین زمان روز سوم است برخی می گویند روز چهارم و برخی شدت بیماری را در نظر می گیرند. ولی بیشترین نظریه ها به قطع تب و قوت در آخر بیماری اشاره کرده اند

در موارد منعی نیز که قبلاً گفتیم نمی توان فصد کرد مگر آنکه بر طبیب مسلم شود که تاخیر جایز نیست. مانند تنگ نفس شدید، طیش قلب و گلودرد چرکی که رگ ها برجسته می شود و سکنه که رنگ صورت سرخ و سیاه میگردد یا خونریزی شدید است و زمانی که مهلتي وجود ندارد

ساعت دوم و سوم ایام سلطنت خون است و بهترین ساعت فصد می باشد

پس از خوردن صبحانه و آن گاه که میل به عضوی می نماید و از نظر فصل بهار نیکوترین است، مخصوصاً کسانی که دچار بیماری های خونی بسیاری می شوند، که در اول بهار و میان فصل خزان فصد کردن واجب می باشد، به خاطر آن که ضمانت تندرستی را می کند (قصد پیشگیری) بنابراین رگ زدن و فصد نمودن شخص دارای مزاج مرطوب در آخر بهار و در معتدل میان بهار و اشخاص گرمایی در آغاز بهار و در عرق النساء (کمر درد یا سیاتالژی) در جزیران زمانی که خورشید در برج سرطان است

باب نوزدهم: در بیان ضررهای حاصل از دفع زیاد خون

اختلال مزاج در اثر دفع خون از قبیل شهوت طعام و استسقاء (ادم) و همچنین پیری زود رس ایجاد میگردد معده و جگر تضعیف می شود و قوت ها تحلیل می رود که نخست نیروی حیوانی و بعد قوت طبیعی ضعیف می گردد و سپس موجب تولید خلط های بد و رطوبت خام در بدن می گردد. به علاوه ترس، لرزش، سکنه و فلج می باشد که برای جبران ضعف نیروها از آبگوشت می توان استفاده کرد و مشک و عطر تجویز میگردد

هرگاه خون سودانی شود به فصد کردن نیاز است که در اثر فصد آسایش و آرامش زیاد پیدا می شود. ولی اگر در حال بیماری باشد خطر بیماریهای دیگر بسیار سخت است

زمانی که فصد سبب حرکت خلطهای بدن شود نیاز به فصد های متواتر است و باید توجه نمود که در بدن کدام خلط بیشتر است در این صورت بدن را به مسهل آن خلط پاک باید کرد

باب بیستم: در بیان ضررهای حاصل از خارج نکردن خون هنگام نیاز

در صورت، تولید جوش و کورک و زخم های بزرگ، تب های مداوم، سردرد شدید (جلوی سر)، مننژیت و در اعضا دیگر (آبله) طاعون، سرسام، سکنه و هموپتزی (بالا آوردن خون)

جذام (سرطان) مرگ است.

باب بیست و یکم: در بیان شناخت رگ ها و شریان ها که باید بگشایند و ببرند و داغ کنند

سیاهرگ ها و شریان هایی که باید بزنند چهل و هشت تا است. دوازده رگ در دو دست می باشد که اصل آن دو رگ است یکی قیفال (سفالیک)، دیگری باسلیق (بازیلیک) شکل و ده رگ دیگر مرکب از شاخه های این دو رگ اصلی است. که از کبد آمده اند. قیفال از قلب دورتر و باسلیق در وسطتر و از جگر می آید و قبل از دست به دو رگ تقسیم می شود و شاخه های بزرگتر آن به دست و کوچکتر آن به سر می رود و به مغز رفته و چون می آید در کتف و سینه پراکنده می شود و به همین خاطر فصد باسلیق علت های جگر و طحال (سپرز) و شش و علت حجاب (پریتوان جداری) مانند ذات الجنب و ترشح مایع در آن و همه دردهای لگن و زانو و ساق و قدم (پا) را استفاده می دهد.

باسلیق به این خاطر گفته می شود که در لغت یونانی به پادشاه بزرگ گویند چون رگ بزرگی است که به اندام های شریف و ابستگی دارد. در دست باسلیق ابطنی نزدیک به بغل (ابط به تازی یعنی بغل) و باسلیق مادیان رگ دیگر آن است.

رگ قیفال از جگر به سوی بالا آمده است تا به چنبر گردن و از آنجا به دو بخش و باز هر بخش به دو قسمت دیگر تقسیم می گردد که یکی کوچکتر و دیگری بزرگترند و هر کدام به جانبی از گردن و به سر و لب و به مغز می رود که مانند باسلیق چون فرش در حجاب های مغز پراکنده می شود. سپس پایین آمده و در برخی مخفی تر است که به خاطر پوشیده شدن در زیر عضله است.

خونگیری از محل وریدها که محل ورود گاز کربنیک (Co₂) و محل ریخته شدن اصلی مجاری لنفاتیک می باشد، به طور مکرر بر حسب بیماری مختلف عنوان شده است و چه نیکو است که مراکز خون بر حسب سابقه های بیماری یا بیماری فعلی این نکته را رعایت نمایند که از وریدهای خاصی برای تأمین خون، فصد انجام شود.

مثلاً: ورید وداج (Jugular) دردهای قفسه سینه، تنگی نفس، گرفتگی صدا، ذات الریه، بیماریهای طحال- مراحل اولیه جذام، بیماری های پوستی، مثلاً: آگزما، لک و پیس و سرطان را درمان می نماید.

وریدهای زیر زبان (Ranin Vein) برای آفتهای دهان و اطراف لوزه ها، های زبان کوچک و دهان، سنگینی زبان، گلودرد، لنفادنوپاتی گردن موثر می باشد.

فصد وریدهای گوشه داخل چشم (Angular Vein) برای دردهای چشم، التهاب، بیماریهای صورت، هیرسوتیسم، بلفاریت، شبکوری، سردرد و موی داخل چشم استفاده می شود.

خونگیری از ورید زیر عنقه یا زیر لب (Inf.Lab) برای بوی بد دهان موثر است.

خونگیری از ورید بازیلیک (باسلیق) در بیماریهای زیر حلق و گردن و نواحی سینه و شکم مثل کبد، طحال، ریه، پلور، پنومونی و همه دردهای سرین، زانو، ساق پا و کف موثر است.

خونگیری از سفالیک (قیفال) در بیماریهای سر، چشم، بینی و کام، بیماریهای دهان، دندان و لب موثر است.

ورید اکحل (Median Cubital) که خون را از اندام فوقانی و تحتانی می‌کشد، تورم این نواحی (را کاهش می‌دهد و خون فاسد تمام بدن را تخلیه می‌کند.

ورید متاکارپال دورسال (اسیلم) پنومونی پلوریت درد مقعد و بواسیر را کاهش می‌دهد.

در دست راست بیشتر برای بیماریهای کبدی و در دست چپ برای طحال و کچلی و خارش سود دارد.

ورید (حبل الذارع) (Accesory cephalik) برای بیماریهای سر، چشم، کام، دهان، دندان و لب موثر است.

خون دادن از وریدهای اندام تحتانی صافن

در بیماریهای اندام تحتانی و پایین تنه مثل: دردهای رحمی، بند آمدن عادت ماهیانه، (آمنوره) بیماریهای کلیه، خارش دستگاه تناسلی مردانه، زخمهای مزمن ران و ساق موثر است.

ورید (int. sapf) مابض در درد احشاء و پشت، عقب افتادن عادت ماهیانه، دردهای رحمی، مقعد و در بواسیر، بیماریها و دردهای کلیه، التهاب مزمن کلیه و مثانه موثر است رگ عرق النساء در سیاتالژی و کشاله ران موثر است.

از نظر پزشکی جدید عبارتست از باز کردن مصنوعی یکی از سیاهرگها به منظور گرفتن خون تجویز فصد در مواردی مانند: ادم ریوی، پولی سینمی ورا، اورمی‌های تهدید کننده، اکلامپسی، فلج ناگهانی حاصله از خونریزی مغزی (ناآرامی‌های شدید و تحریک‌پذیری، سردردهای شدید، اختلالات گفتاری، تشدید رفلکس‌ها)، همچنین در پلتورا (Plethora) (غلبه‌ی مزاج، پرخونی و چاقی مفرط) و آسم قلبی توصیه می‌شود.

در مواردی که ضرورت انجام خون‌گیری تأیید شده باشد، می‌توان با توجه به موقعیت شخص بیمار، به مقدار ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سانتی‌متر مکعب، خون از شخص مورد نظر گرفت.

در طب سنتی، خون گرفتن، یکی از پایه‌های درمانی بسیاری از بیماری‌ها بوده و درباره‌ی موارد استفاده از این کار، ممنوعیت، تدابیر و احتیاطات، بطور پراکنده مطالبی بیان شده که نظر این‌سینا در این مورد بسیار جالب و ارزنده است و از همین‌رو **چکیده‌ای از سخنان او را در اینجا نقل می‌کنیم**

اندىکاسیون‌های رگ زدن: (مواردی که رگ زدن بیمار سودمند است)

الف: برای کاهش مقدار خون افرادی که دچار پرخونی هستند.

ب: برای کاهش کیفیت خون بیمارانی که خون آن‌ها غیرطبیعی است و درمانی بجز خونروی ندارند، مانند: ابتلاء نقرس خونی که باید از نزدیکترین رگ به عضو مبتلا خون گرفته شود.

ج: برای جمع شدن هر دو علت فوق در یک بیمار.

کنترا اندىکاسیون‌های رگ زدن: (مواردی که رگ زدن ممنوع است)

الف: دوران حاملگی و عادت ماهیانه.

ب: دوره‌ی پیشرفت بیماری‌ها، برای اینکه قدرت بیمار در مقابله با دوران بحرانی بیماری محفوظ بماند، همچنین در اغلب بیماری‌های تبار که همراه یا بدون تشنج هستند و در بیمارانی که از دردهای بسیار شدید رنج می‌برند.

د: طبیب بایستی در تمام مدت خونرویی، مراقب نبض بیمار باشد و به مجرد آنکه نبض ضعیف شد یا بیمار دچار رنگ پریدگی و یا خمیازه شد، رگ را ببندد و خونرویی را متوقف کند.

ه: مقدار خونرویی برای همه‌ی افراد یکسان نیست و به وضع بدنی شخص بستگی دارد.

و: نباید به دنبال خونرویی مبادرت به ورزش و فعالیت‌های سنگین بدنی کرد بلکه باید مدتی در بستر استراحت نمود.

ز: افرادی که مدتی دچار بیماری بوده‌اند و ناچار به رگ زدن آنها هستیم، در اولین وهله‌ی خونرویی باید دقت کنیم اگر خون رقیق خارج شد فوراً رگ را ببندیم ولی اگر خون غلیظ و کدر، مایل به سیاه رنگ و گرم خارج شد، می‌توان خونرویی را ادامه داد.

ح: در مواردی که کیفیت خون غیرطبیعی باشد و ناچار به رگ زدن هستیم باید مقدار اندکی خون از بیمار گرفته سپس رژیم غذایی بسیار خوبی برای وی به کارگیریم و پس از مدتی مجدداً کمی از خون وی را خارج کنیم. بدین ترتیب خون غیرطبیعی را به تدریج خارج نموده‌ایم و خون خوب و تازه ناشی از تغذیه‌ی خوب را جایگزین خون بد خارج شده نموده‌ایم.

ط: رگ زدن بیمارانی که دچار وسواس یا دیوانگی هستند باید در هنگام شب و موقع خوابیدن آنان انجام گیرد و باید رگ مختصر زده شود تا خونریزی زیاد نباشد.

ی: برای نیشتر زدن، رگ قیفال (Cephalic Vein) سالم‌تر از سایر رگ‌هاست.

ک: سیاهرگ‌های دست که خون گرفتن (فصد) از آنها توصیه می‌گردد عبارتند از:

- سیاهرگ قیفال (سیاهرگ راسی) = Cephalic Vein
- سیاهرگ اکحل (سیاهرگ زنداسفلی میانی «سیاهرگ چهار اندام» = Median cubital Vein .
- سیاهرگ باسلیق (سیاهرگ موسوم به Basilic Vein)
- سیاهرگ حبل الذراعی (سیاهرگ راسی فرعی Accessary cephalic Vein)
- سیاهرگ اسیلیم (سیاهرگ‌های پش دستي Dorsal metacarpal Vein)
- سیاهرگ زیر بغلی (Axillary Vein)
- صافن (سیاهرگ) - (Great saphenous). وریدی است که از پشت تا زیر رباط مغنی امتداد داشته و به ورید رانی می‌ریزد.

ج: افراد زیر ۱۲ ساله و افراد مسن، البته اگر در یک شخص مسن از زیادی خون و گشادی و پر بودن رگ‌ها مطمئن باشیم و چهره‌ی آنها گلگون باشد، می‌توان اندکی خون گرفت ولی باید در نظر داشت که یکی از عوارض خونرویی در افراد مسن، سخته است.

خ: افرادی که دچار لاغری شدید یا چاقی مفرط هستند، چون افرادی که در مناطق سردسیر زندگی می‌کنند

ل: بلافاصله پس از فعالیت‌هایی که مقداری از قدرت بدن را مصرف نموده‌اند از قبیل: پرخوری، نزدیکی و استحمام

عوارض رگ‌زدن

الف: خشکی زبان که برای برطرف کردن آن باید از (ماء الشعیر بدون الکل) و آب شکر استفاده کرد.
ب: جذب مواد نامطلوب و این هنگامی اتفاق می‌افتد که شخص پس از پرخوری مبادرت به رگ زدن کند، در اینجا برای جبران خون نامطلوب از دست رفته جذب بدن وی می‌شوند.
ج: بیهوشی بخصوص در کسانی که سابقه‌ی رگ زدن نداشته و این عمل به صورت ناگهانی در آن‌ها انجام می‌گیرد.
د: مرگ در افراد مسن و یا در کسانی که خون آن‌ها زیاد نیست و به علت اشتباه طبیب خونروی از آن‌ها صورت می‌گیرد.
باید دانست نقاطی از بدن که دچار تورم هستند پر خون می‌شوند زیرا محل متورم باعث جذب خون به سوی خود می‌شود.

نکاتی را که باید هنگام رگ زدن رعایت کرد

الف: رگ زدن را می‌توان از ورید تا شریان انجام داد.
ب: خونروی اندک در دفعات متوالی، بهتر از خونروی زیاد در یک دفعه است.
ج: شخصی که از وی خون گرفته می‌شود باید در حالت دراز کش باشد تا دچار غش نشود (Coma)
در فصد اندام تحتانی، باید بیمار ابتدا ایستاده و بر پای مبتلا تکیه کند .

بیماری‌های شایع

عرق النساء « درد کمر » Low Back Pain

تعریف

بیماری یا آسیبی که بصورت حاد یا مزمن در ناحیه کمری- خاصه‌های (L.S) با دردی که ممکنست از لگن تا پا کشیده شود

علت

علل حاد آن بیشتر در جوان‌های ۴۰ تا ۳۰ ساله اکثراً بدون انتشار می‌باشد و بیشتر با انقباض عضلات متصل کننده‌ی خارهای مهره‌ای (پشت و کمر) همراه است که با سرفه شدیدتر می‌شود

تغییر ترکیب مایع مفصلی و خشکی لیگامان‌ها که قابل تطبیق با سودا و صفراي افزایش یافته در مزاج است یکی از علل مهم این بیماری است. بلغم یا افزایش رطوبت نیز یکی از عارضه‌های دیسک است

از نظر ساختمانی، تغییر شکل بصورت مهره‌ی کمری اضافی و اسپینا بیفیدا می‌باشد که با شکاف کانال نخاعی همراه است. آسیب مهره‌ای بصورت اسپوندیلوزیس، جلو کشیدن جسم مهره همراه با اختلال اینترآرتیکولر بین مفصلی و خارها و شکستن عناصر خلفی، ممکن است باشد. در اسپوندیلولیتیزیس مهره و خار مهره‌ای کاملاً به جلو کشیده می‌شوند

اختلال مادرزادی فاست متصل کننده‌ی زائده‌ی مهره‌ها یا در اثر دیسک یا ایسکمی همراه با طولانی شدن و در بیماری‌های استنومالاسی (نرمی استخوان)، بیماری پازت، آکوندروپلازی و استئوزس سبب دردهای کمر می‌شود

اختلالات عملی بدون ضایعه تشریحی مشخص در قوز کردن (اسکولیوز)، انقباضات ران و زانو در حالت خم شدن، بلند قدی نامتقارن اندامها، کار کردن در بلندیها و حاملگی ممکن است سبب این بیماری شود. عفونت‌ها و التهابات در تب مالت، بیماری‌های چرکی (پیوژنیک)، سل، اسپوندیلیت، میوزیت، فیروز و آرتريت که التهاب عضله و مفاصل را در بر دارند و بالاخره فیروز، با همان مکانیسم غلبه صفرا و بالاخره سودا، بیماری را تشدید می‌کند.

معاینات بالینی

وضعیت حرکت و ترس از تغییر، علائم پوستی و تومورهای زیرجلد، از بین رفتن لوردوز کمری با اسپاسم، یافته اختصاصی شایع در ضعف جدار قدامی شکم می‌باشد. در لمس L 4 و L 5 سطح واقعی اجسام مهره‌های را به بالا پیگیری می‌کنیم و زائد خاری کوچکتر درد به ساق و کمر تیر می‌کشد و وجود فضای خالی بین ساکروم یا کمری دلیل اسپینابیفید است. یک فرو رفتگی پله مانند بعلت جلو رفتن مهره (اسپوندیلولیزتیز) اغلب در L 5 یا S 1 است

در سنین نوجوانی که عناصر خلفی ستون فقرات نقص دارند (اسپوندیلوزیس) گاهی با درد تیر کشنده یا هرنی دیسکال است. لمس استخوان دنبالچه از طریق رکتال امکان‌پذیر است تروکانترها، برجستگی ایسکیوم و نمای قدامی اجسام مهره‌ها از خلف و فشار از جلوی شکم در سطح قابل L 3 – L 4 لمس قابل لمس (در دو شاخه شدن اورت) هستند. برجسته‌ترین محل اتصال S 1 – L 5 قسمت نمایی قدامی ستون فقرات با افزودن فشار به خط وسط قابل لمس می‌شود. بیشتری محل دیسک، نقطه‌ای است که هسته مرکزی و غلاف فیبروی آن بیشترین فشار را تحمل می‌کند و حرکت بیشتری دارد. لیگامان بین خاری کوتاه و محکم است چنانچه لیگامان‌های فوق خاری یا بین خاری پاره شوند، آن ناحیه دردناک و حساس بوده و ممکن است یک فضای خالی بین زوائد خاری قابل لمس باشد. اسپاسم عضلات پاراسپینال یک یا دو طرفه سبب لوردوز یا خمیدگی می‌شود گاهی یک لیپوم یا اسپینابیفیدا روی طناب نخاعی فشار می‌آورد. در زیر کرت ایلیاک نیز نروما یا نولهای چربی یا فیبری احساس درد می‌کند. خار خلفی ایلیاک محل چسبندگی لیگامان‌های ساکروتوبرو اسپینوس می‌باشند

برای لمس عصب سیاتیک، بیمار باید رانش را خم کند و نقطه وسط توبروزیته ایسکیوم و تروکانتر بزرگ را باید لمس کرد. معمولاً با فشار، عصب بوضوح قابل لمس است و اثر یک فتق دیسک یا یک ضایعه فضاگیر بر روی ریشه‌های مربوطه موجب حساسیت عصب بهنگام لمس می‌شود

اما همانطور که در آمار موجود است اکثر علائم بیماران مبتلا به سیاتالژی بر مبنای غلبه مزاج‌ها بیشتر با مزاج سودائی و سپس خون و صفرا و بندرت بلغم ممکن است مراجعه نمایند. برخی از حالات ترکیبی از مزاج‌ها هستند

عموماً علائم شامل: ریزش مو، سردی اندام، واریس یا خونریزهای زیرجلدی با غلبه سودائی اندام تحتانی، حساسیت و خیالات زیاد، سبکی سر، گاهی سوزش ادرار، سرفه خشک و بالاخره علایم کیبودی رنگ، وسواس، مالیخولیا، سرطان، جذام، سکنه و فلج کامل می‌باشد که با درمان بعلت، آنرا عموماً می‌توان درمان کرد.

از نظر موضعی گاهی شدت بیماری بحدی است که کشیدن ملحفه از روی پای بیمار، درد شدیدی برای او ایجاد می‌کند و دهها روز کار بیمار را کاملاً مختل می‌کند. رادیوگرافی مایل مهره‌های کمری و معاینات عصبی، اطلاعات منطقه مبتلا را نشان می‌دهد.

درمان

در موارد مشخص دیسک هم حتی ۹۰ - ۸۰ درصد درمان کمردرد و سیاتالژی، نگهدارنده است، اکثراً معتقدند کمر درد با ۳-۲ روز در وضعیت خم بودن زانو Semi Flexure خوب می‌شود و ادامه‌ی آن را با ورزش‌های ایزومتریک شکم، تزریق کیموپایانین یا کلاژناز در دیسک در موارد شدید، قدم زدن و شنا و دوچرخه با استراحت قلبی عروقی و مصرف پمادها به اشکال مختلف را پیشنهاد می‌کنند

در کودکان مبتلا به اسپوندیلوز پیشرفته با تغییر مکان ۲۵ - ۵٪ نیاز به فیوژن دارند که با اکستریون عناصر خلفی همراه است. در مورد دردها بخصوص درد شانه و سیاتیک، متاسفانه با تدابیر مختلف جراحی، حداقل ۳۰٪ شایع است

در طب اسلامی، معالجه درد مفاصل و عرق‌النساء از حضرت رسول در کتاب الرحمه آمده که انس بن مالک از قول حضرت رسول بیان داشته است که هزار و سیصد بیمار را با درمان سه روز گوشت گوسفندی قوی (مصرف خوراکی راسته ران ماهیچه) که به درمان دنبه و عسل و روغن اضافه می‌شود، درمان کرده است

از عبدا... و حسین ابن بسطام گفته‌اند احمد بن رباح متطبب خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و درباره درد سیاتیک سؤال و بحث نمود، حضرت فرمودند: محل بند انگشتی را که درد می‌کند رگش را می‌گیری که در رفع درد روشی ساده است به اذن پروردگار درد رفع می‌شود و اگر درد شدید بود و ضربان داشت و به ران و پا و لگن تیر می‌کشید در حالیکه شخص بایست که به همان پا ایستاده، از رگ سیاتیک خون سیاهش را می‌گیری و سپس با نمک و زیتون، محل آنرا روغن می‌مالی که به امر پروردگار عزوجل خوب می‌شود

از نظر علل عمده‌ی سودا در بدن، استرس‌ها می‌باشند که گاهی با کاهش حرکت که عامل گرم کننده اعضا می‌باشد، شدت می‌یابد به قول بوعلی یک نکته از حکمت نظری یعنی «معرفة الربوبية» جزء اصول درمان می‌تواند باشد

در این میان، ما برای بیماران سه سؤال اساسی، هدف از زندگی، مقایسه اهداف کاذب و وسایل رسیدن به هدف را مشخص می‌کنیم و زمینه را ضمن تحلیل این مسائل براساس حکمت عملی مدینه که مصالح بقاء نوع انسان و ابدان است، درمان را با چند جلسه ادامه می‌دهیم. در این روش بیمار خودش جواب سوالات را می‌نویسد و طبیب و حکیم او را از اضطراب و گرایش به اهداف کاذب رنج دهنده‌ی زندگی، خلاص می‌کند و او را به سیر و مطالعه براساس متون قرآن، احادیث، تفکر و نتیجه‌گیری (تعقل) و نظر اجماع علماء سوق می‌دهد

از آنجا که غلظت خون با افزایش سودا و آهن خون، یکی از علل بیماری می‌باشد و عموماً با افزایش درد در اندام تحتانی همراه می‌شود، مسأله رقیق نمودن آن و دفع مواد زائد از یک سیستم مدار بسته جریان خون بایستی مورد توجه قرار گیرد. این تحلیل همراه با گرم نمودن بدن، تقریباً آخرین راه اصلاح را تکمیل می‌کند

در بخش رقیق نمودن خون ما از دارویی بنام سناء مکی، که یکی از عمده‌ترین داروهای طب اسلامی و مسهل صفراء، سودا و بلغم است و کمترین ارزش آن همان روایت گرانقدر معصومین است که فرمودند: اگر یک مثقال آنرا با دو مثقال طلا هم معاوضه کنید باز ارزش آن بیشتر است البته گل سرخ بعنوان مصلح و همچنین افزایش اثرات مفید آن و برای جلوگیری از تحریک معدی با کمی روغن بادام شیرین تجویز می‌نمائیم. این دارو خیلی کم مثل: چای، روزی یک یا دو نوبت می‌تواند همراه روغن بادام مصرف شود. تغذیه مزاج سوداوی از نخود (با آب یا پخته)، گوشت مرغ یا گوسفند، تخم مرغ روز در میان (زرده)، گندم، لوبیا، بادام شیرین، کشمش، انجیر، شکر، کره، خربزه، فلفل، کنگر، آلو شیرین، فندق، شلغم، ترب، شیره نارگیل، موز، کم خوردن غذا بعد از عصر می‌باشد

یک روش هم یک سیر مصطکی+ یک چارک عسل است، که با اضافه نمودن آب ولرم هم می‌تواند مصرف شود. بهتر است بدانیم مجموعه طب اسلامی، از حجامت، فصد، گیاه‌درمانی، حمام و ورزش و حتی نظافت بدن و تغذیه باید با تدابیری ضمن رعایت تقدم و تاخر، مورد نظر طبیب و حکیم باشد

ما برای آمادگی از همان روش حجامت در سه مرحله و در نهایت از فصد استفاده می‌کنیم فواصل حجامت بستگی به شدت درد و زمان در اختیار داشتن بهترین اوقات آن است که در سه موضع کتف، کمر و ماهیچه پا انجام می‌شود

و اما فصد در سیاتلژی بیشتر در مسیر رگ صافن شاخه پاروا (کوچک) و در خارج قدم در اطراف قوزک (خارجی) بیشتر در پشت آن و یک محل آسانتر بین دو انگشت چهارمین و پنجمین که حاوی بیشترین مقدار سودا است انجام می‌شود

طبیعی است که بیماری که با چند مرحله تغذیه، تقویت، ماساژ و رقیق کردن خون آماده شده است، بهترین جواب از فصد می‌برد. امام علیه‌السلام روش فصد را نیز که تکیه بر پای حاوی درد است و یا با بستن گارو در بیماران باصلاح بد رگ، انجام می‌گیرد در زیر نور کافی و بی‌حس کردن محل با حدود یک سانتی‌متر مکعب گزیلوکائین از طریق سرنگ انسولین در کنار رگ مربوطه و با نمایان نمودن رگ، صورت می‌گیرد

در قدیم و گاهی فعلاً این عمل با بیشتر مخصوص، گاهی با یکبار یا دو بار یا احياناً چند بار امتحان بالاخره صورت می‌گیرد و پا از پائین تا بالا بانداژ می‌شود

ولیکن برای آسایش بیمار، بخصوص در نزد افراد مبتدی، فصد بدون بی‌حسی فعلاً امکان‌پذیر نیست و بخصوص تأکید داریم که فصد کورکورانه برای اعضاء بسیار خطرناک است

ما در زدن و ریختن و سواس نداریم لکن اگر بتوان با انسزیون مایل یا طولی، خون لازم را تا حد روش شدن دریافت کرد برای بیمار ایده‌آل است. ما البته سعی داریم بیمار را روی تخت در وضعیت راحت قرار داده و با پای آویزان و نور کافی بعد از استریل نمودن موضع، فصد نمائیم

ضمن و بعد از عمل فصد که گاهی چندین بار بعد از استریل و دوباره خشک شدن با پنبه و یا گاز، خونریزی ادامه دارد، از مصرف مایعات بخصوص شربت عسل و آب انار شیرین استفاده

می‌نمائیم. برای غیر از محلول‌های ضد عفونی، از روغن زیتون و بنفشه می‌توان استفاده کرد

نتیجه

تجویز فصد در مواردی مانند: ادم ریوی، پولی سیتمی ورا، اورمی‌های تهدید کننده، اکلامپسی، فلج ناگهانی حاصله از خونریزی مغزی (ناآرامی‌های شدید و تحریک‌پذیری، سردردهای شدید، اختلالات گفتاری، تشدید رفلکس‌ها)، همچنین در پلتورا (Plethora) (غلبه‌ی مزاج، پرخونی و چاقی مفرط) و آسم قلبی توصیه می‌شود.